

حذر

خبرهای این شماره کاملاً حال و هوای نهمین انتخابات ریاست جمهوری رو داره. گرچه زمان زیادی از آن گذشته، اما حیفمان آمد که این واقعه تاریخی ملت ایران رو توی گوشه‌ای از «دیدار آشنا» ثبت نکنیم. خودمونیم ۳۰ میلیون نفر دست به دست هم دادیم و کولاک کردیم. خبرنگارهای خارجی هم مات و میهوت، خبرهاشون رو ارسال می‌کردند برای اون طرف دنیا. تصاویری که برای تو گردآوری کردیم حاصل ساعت‌ها جست‌وجو در سایت‌های مختلف اینترنتیه و خودمون هم می‌دونیم که این تصاویر، تنها قطره‌ای از دریای وقایع ایام انتخاباته. ببینید، لذت ببرید و به گوشه قلب وطن دوستون ثبت کنید:



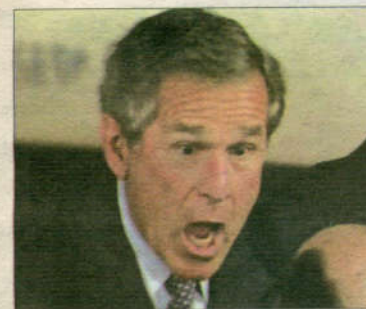
ماراتن تبلیغات، شب آخر آسفالت‌های خیابان را هم عوض کرده بود؛ همه جا پوشیده بود از کاغذ.



گوشواره، انگشتر و النگوی طلا، کمک‌های مادی مردم به ستاد احمدی‌نژاد بودند. آمار روزه‌ها و سفره‌های نذری از دست ما خارجه.



پلاکاردی که جلوی مردم قم موقع استقبال از احمدی‌نژاد می‌بینید، سروده مرحوم آقاسی در دیدار با احمدی‌نژاده:
پرچمت سبز اگر شهر مرا سبز کنی
دلت آباد گر ایران من آباد کنی



نقش بوش را هم نباید در این انتخابات نادیده گرفت. خیلی‌ها برای لگدن به حماقت‌های او پای صندوق‌ها اومدند آخه گفته بود: ایرانی‌ها نیابند!



توی ایام تبلیغات هر دو دوره رقابت‌ها داغ و دینی بود. اما دور دوم چیز دیگری بود.



باور کنید رقابت بچه‌ها خیلی داغ‌تر و دینی‌تر از بزرگ‌ترها بود. خیلی.



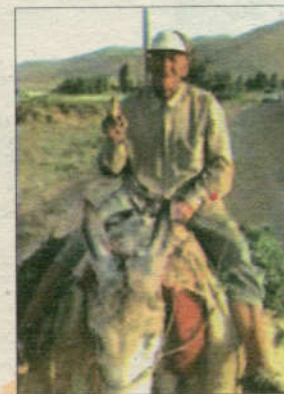
بعضی‌ها ابتکار به خرج داده بودند و کاندیدایی مورد نظرشون رو تاج سرشون کرده بودند.



آقا مثل همیشه، مرد اول رای دادن بود. آماده‌تر و شاداب‌تر از همه



این عروس و داماد بندرعباسی ترجیح دادند اول رای بدهند بعد شام عروسی!



این آقا انگشت جوهری‌اش را بالا گرفته بود تا اعلام کنه انتخابات فقط مخصوص شهری‌ها نیست.





تمام هیاهوها به یک چیز ختم شد: او مرد منتخب ۱۷ میلیون و رئیس جمهور ۷۰ میلیون ایرانی شد.



دنیای ایران می آید! لطفا این را به تمام دنیا مخابره کنید.



رئیس جمهور توی اولین کنفرانس خبری با خبرنگارهای داخلی و خارجی حرف اول و آخرش را زد: اروپا باید از برج عاج پایین بیاید.



می گفتند هیچ سنخیتی با رجایی نداره. اما بعد از انتخاب شدن سرروی مزارش گذاشت تا اگر هم سنخیت نداره، پیدا کنه!



خلاف پیش بینی آمریکایی ها و اروپایی ها، صف های رای گیری، از جولانی بودن در قاب تصویرها هم جا نمی شد.



نسل سومی ها فقط خودشان نیامده بودند، عصای نسل های دیگر هم بودند.



این کوچولو اعلام آمادگی کرده: من هم رای می دهم، اگر لازم باشد.



این هم رای دادن خود دکتر!



خداحافظ سید! هشت سال فرصت زیادی برای کار بود.



رای اولی ها هم حسابی با شناسنامه هایشان کلاس گذاشتند و عکس یادگاری گرفتند. پای صندوق همه نسل ها به هم گره خورده بودند.



نسل اول



نسل دوم



نسل سوم



نای راه رفتن نداشت. دستش می لرزید، اما آمده بود تا اعلام کند که هنوز زنده است چون حق رای دارد.



بچه ها هم برای این که دلخوش باشند که رای داده اند، حق داشتند روی ورق باطله انگشت بزنند!



آقای رئیس جمهور! فقط یادت نره مستضعفین تشنه عدالتند. این بچه‌ها آینده می‌خواهند.



شادی مردم بعد از انتخابات دکتر که دیگه گفتن نداره.



دکتر جان! جانبازاها شهدای زنده‌اند؛ مبادا فراموششان کنی.



بازتاب بین‌المللی این انتخابات خیلی بیش‌تر از این حرف‌هاست، فقط بدانید ایران تیتراژ اول مطبوعات دنیا شد.

در حاشیه انتخابات

توی گیر و دار وقایع انتخابات، یک خبر لای خیره‌گم شد: «شون‌پن» بازیگر سرشناس هالیوود و برنده جایزه اسکار، به عنوان خبرنگار سانفرانسیسکو وارد ایران شد، تا اخبار انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری را مخابره کند! «شون‌پن» مدت‌هاست به عنوان یک چهره معترض سیاست‌های کاخ سفید در کل دنیا شناخته شده. این یعنی: شخصی مثل او هرچه درباره ایران بگوید ممکن است تیتراژ اول روزنامه‌ها شود و تودهنی برای کشورش باشد. با این وجود هر چند او به عنوان تهیه‌خبر از انتخابات آمده بود اما هرچه گشتیم هیچ تصویری از او در این باره ندیدیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجوز تهیه گزارش از همه جای کشور را برای این هنرپیشه آمریکایی صادر کرده بود. در مدت اقامتش در ایران، او را به موزه سینما بردند! با هنرمندها دیدار کرد! اما هیچ‌کس سعی نکرد او را برای دیدن واقعیت‌های ایران، موزه دفاع مقدس، مزار شهدا، دیدار جانبازان، بازدید از جماران یا حتی مزار امام راحل ببرد. او باید وقایع ایران را به دنیا مخابره می‌کرد، اما بعضی هنرپیشه‌های ما آنقدر دست و پایشان را گم کردند که مجالی برای این کارها نماند. نمی‌دانم او از ایران چه خواهد گفت!؟

